

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۳۷۳۹۱

۶ ۱۳۸۰ / ۶ / ۱



دانشگاه تهران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

**جمهوریت و اسلامیت در اندیشه سیاسی امام خمینی**

نگارش:

خداخواست قنواتی

استاد راهنما:

دکتر مصطفی ملکوتیان

013050

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در

رشته علوم سیاسی

تیرماه ۱۳۸۰

۳۷۳۴۱

تقدیم به:

همسر عزیز و فداکاره معصومه ترابی  
و فرزندان دلبنده

کوثر، مسن، مسین و ملیکا



## چکیده

در اندیشه‌های سیاسی خصوصاً اندیشه‌های سیاسی اسلام و ایران دو واژه جمهور و اسلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. تحلیل اندیشه‌های سیاسی ایران بدون تأمل در این دو مفهوم نتیجه‌کاملی را به دست نمی‌دهد. این پژوهش تلاشی است در راستای روشن کردن اندیشه‌های سیاسی یکی از رهبران سیاسی - مذهبی ایران که همین عنوان به نوبه خود تحلیل‌گر را به بحث و بررسی درباره این دو مفهوم می‌کشاند.

نگارنده بر این باور است که فهم عمیق افکار سیاسی امام خمینی با بر رسیدن هر دو مفهوم میسور و دست یافتنی است بر اساس این منطق تحقیق را پایه‌گذاری کردیم تا تمامی مطالب آن در فصول مختلف گویای ابعاد گوناگون جمهوریت و اسلامیت و شیوه‌های تعامل آنها نسبت به همدیگر در اندیشه سیاسی امام خمینی باشد.

در اندیشه‌های سیاسی در ایران برخی بیشتر به جمهوریت و مردم سالاری توجه و گروهی بر اسلامیت دولت تأکید می‌نمایند. در این باره دیدگاه‌های مختلفی طرح شده که آیا این دو مفهوم می‌توانند به وحدت برسند یا خیر؟

این تحقیق به روشنی رابطه این دو را در اندیشه امام خمینی می‌یابد و امکان وحدت مفهومی آندو را مورد کنکاش قرار می‌دهد. فرضیه اصلی بر این مبناست که مفاهیم جمهوریت و اسلامیت در افکار امام خمینی نسبت به همدیگر تعارضی ندارد و با یکدیگر قابل جمع هستند. لذا با توجه به وجود تفاسیر مختلف درباره این دو و رابطه آنها بررسی و ارائه نظر صریح امام خمینی در این باره گامی در جهت کاهش تنش‌ها و تعارضات

فکری در کشور است.

این پژوهش شامل یک مقدمه، ۵ فصل و یک نتیجه‌گیری نهایی می‌باشد مقدمه به بیان چارچوبه اصلی

پایان نامه می‌پردازد.

**فصل اول:** پیرامون مفهوم جمهوریت و حکومت جمهوری در اندیشه‌های سیاسی است. ابتداء دیدگاه‌های

دانشمندان صاحب نظر درباره جمهوری بیان می‌شود و بعد از طبقه‌بندی نظام‌های سیاسی معاصر توسط

اندیشمندان جدید، مردم و آزادی به عنوان بنیان حکومت جمهوری معرفی می‌شوند.

**فصل دوم:** رابطه دین و سیاست در اسلام را بیان می‌کند. در آغاز فصل میزان تعامل ادیان با سیاست از جمله

مسیحیت و یهودیت بازگو می‌شود و در ادامه ره آورده‌های اسلامیت دولت، سابقه تعامل اسلام و سیاست در

ایران و نسبت اسلام با سیاست تبیین می‌شود. به منظور دستیابی دیدگاه‌های مخالفین ادغام دین و سیاست

از نظریات مرحوم مهندس مهدی بازرگان و علی عبدالرزاق بهره می‌جوییم و نهایتاً به نقد نظریات آنها

می‌پردازیم فصل دوم با ارائه نظریه یکتانگاری دین و دولت در نگاه امام خمینی پایان می‌یابد.

**فصل سوم:** به توضیح مفهوم اسلامیت نظام در اندیشه سیاسی امام خمینی می‌پردازد. بعد از یک مقدمه

کوتاه وارد بحث امام خمینی و اسلامیت حکومت می‌شود. این بخش از فصل بیانگر اهمیت و والایی اسلامیت

حکومت از دیدگاه امام خمینی، استدلال ایشان بر ضرورت حکومت اسلامی، ویژگی‌های حکومت اسلامی از

نگاه وی و نهایتاً تبیین اصل ولایت فقیه می‌باشد.

**در فصل چهارم:** پی جوی شرح چگونگی مفهوم جمهوریت حکومت در افکار سیاسی امام خمینی هستیم

در این فصل ابعاد مختلف جنبه جمهوریّت حکومت پیشنهادی امام خمینی توضیح داده می‌شود ابتدای فصل با بیان واژه جمهوری و تأکیدات امام خمینی بر آن و نگرش وی به نقش مردم در تشکیل و تداوم دولت شروع می‌شود و نهایتاً حقوق مردم در حکومت از نگاه امام بیان می‌گردد. نتیجه فصل تأکید امام بر جایگیری مردم در متن اصلی تصمیم‌گیریهای کلان سیاسی است.

**فصل پنجم:** به نوعی همان نتیجه و فرضیه اصلی پایان نامه یعنی وحدت اسلامیت و جمهوریّت است در این فصل احتمالات گوناگون درباره رابطه جمهوریّت و اسلامیت بیان می‌شود و نهایتاً به توضیح جمهور و اسلام به عنوان دو پشتوانه اصلی برای یکدیگر که تصور یکی بدون دیگری در عالم واقعیت غیرممکن است، می‌پردازد.

**نتیجه گیری نهایی:** تحقیق بر این پایه استوار است که در افکار امام خمینی هیچگونه تعارضی میان جمهور و اسلام قابل تصور نیست بلکه هر دو از جایگاه ممتازی برخوردارند لذا در بخش نتیجه ثابت شد که ایندو با تمام تلاش مدافع و پشتیبان یکدیگرند. در عین اینکه احتمالات متعددی پیرامون رابطه ایندو به چشم می‌خورد. اما در فرض تعارض یا تفاهم؟ به این نتیجه رسیدیم که تفاهم منطقی ترین نتیجه بحث است. جمهوریّت بزرگترین پشتوانه حکومت اسلامی و اسلامیت در تمامی وجوه از جمهور دفاع می‌کند.

## تقدیر

با پند آموزی از کلام حکمت آمیز علی (ع) که هر کس  
یک حرف مرا بیاموزد یک عمر من را بنده خویش ساخته  
است. از باب وظیفه از آموزگاران علم و دانش در دوره  
کارشناسی ارشد خویش، اساتید عزیزم جناب دکتر  
مصطفی ملکوتیان و دکتر سید احمد موثقی و دکتر علی  
صدرا به عنوان استاد راهنما و مشاور و داور که در مراحل  
مختلف این تحقق حقیر را از راهنماییهای خود بهره مند  
ساختند صمیمانه تشکر می کنم.

## «فهرست مطالب»

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
<b>فصل اول: مفهوم جمهوریت و حکومت جمهوری در اندیشه‌های سیاسی</b>	
۴	۱- سقراط
۶	۲- افلاطون
۹	۳- ارسطو
۱۲	۴- مونتسکیو
۱۳	۵- ماکیاولی
۱۵	۶- جایگاه حکومت جمهوری و انواع کلاسیک و جدید حکومت
۱۷	۷- طبقه بندی نظامهای سیاسی در جهان سیاست معاصر
۲۱	۸- آزادی و مردم بنیان حکومت جمهوری
۲۱	۱- آزادی
۲۶	۲- مردم
۲۷	۹- کلام آخر

## فصل دوم: رابطه دین و سیاست در اسلام

۳۰	۱- میزان تعامل ادیان با سیاست
۳۲	الف) مسیحیت:
۳۳	ب) یهودیت:
۳۴	۲- ره‌آوردهای اسلامیت در حکومت



## «فهرست مطالب»

صفحه	عنوان
------	-------

۴۲	۳- سابقه تعامل اسلام و سیاست در ایران
۴۸	۴- نسبت اسلام با سیاست
۵۴	۵- مبانی فکری مخالفین ادغام دین و سیاست و نقدی بر آنها
۶۱	۶- امام خمینی و یکتا انگاری دین و دولت

### فصل سوم: مفهوم اسلامیت نظام در اندیشه سیاسی امام خمینی

۶۵	مقدمه
۶۵	۱- امام خمینی و اسلامیت حکومت
۶۶	۱- اهمیت و والایی اسلامیت حکومت از دیدگاه امام خمینی
۶۸	۲- استدلال امام خمینی بر ضرورت حکومت اسلامی
۷۷	۲- ویژگیهای حکومت اسلامی در نگاه امام خمینی
۸۱	۳- ولایت فقیه

### فصل چهارم: مفهوم جمهوریت حکومت در اندیشه سیاسی امام خمینی

۸۴	۱- جمهور
۸۵	۲- جمهوری یکی از مبانی اصلی افکار سیاسی امام خمینی
۹۲	۳- نگرش امام خمینی به نقش مردم در تشکیل و تداوم حکومت
۱۰۱	۴- حقوق مردم در حکومت
۱۰۱	۱- لزوم تبعیت دولت از ملت
۱۰۳	۲- شورا بارزترین جلوه جمهوریت

## «فهرست مطالب»

صفحه	عنوان
	فصل پنجم: وحدت اسلامیت و جمهوریت در اندیشه سیاسی امام خمینی
۱۰۶	۱- امام خمینی و احتمالات پیرامون رابطه جمهوریت و اسلامیت
۱۰۹	۲- جمهوریت و اسلامیت: تعارض یا تفاهم؟
۱۱۴	۳- نقش جمهوریت در حکومت اسلامی
۱۲۰	۴- اسلامیت بزرگترین پشتوانه جمهوریت در دولت
۱۲۱	الف: مصونیت جماعت
۱۲۲	ب: نظارت همگانی مردم
۱۲۲	۵- جامعه مدنی در اندیشه‌های سیاسی امام خمینی
۱۲۸	نتیجه‌گیری نهائی
۱۳۴	فهرست منابع

## مقدمه

ایران از قدیمی‌ترین نقاط سکونت بشری است که یکی از نخستین دولتهای متمدن در آن نشأت گرفت و از هزاره سوم قبل از میلاد با ورود آریاییها از سیبری به دشت ایران همواره بحث حکومت و شیوه اداره جامعه مدنظر عالمان و اندیشمندان این سرزمین بود.

سیطره اقتدار دولت در ایران در طول تاریخ از وسعت و گسترش زیادی برخوردار بود «خصوصاً در عهد کوروش بزرگ که به دلیل سیاست خیر خواهانه و نیز سنجیه بزرگ منشی، وی همواره در صدد تسکین افراد آدمی بود. به همین دلیل ایرانیان او را پدر، یونانیان که ممالک آنها را تسخیر کرده بود وی را سرو و یونانیان را قانوگذار و یهود او را ممسوح پروردگار محسوب می‌کردند.»<sup>(۱)</sup>

گسترده بودن حوزه سرزمین حکومت ایران با قبایل، نژادها، اندیشه‌ها و افکار کنیاکون و همچنین مناطق کاملاً متفاوت جغرافیایی، همراه با خود ارائه راهکارها و تئوریهای مناسب حکومت به بهترین شکل و شیوه را می‌طلبید. محافل علمی سرزمین ایران دارای سابقه طولانی و درخشانی از ارائه نظریات گوناگون توسط اندیشمندان آن به منظور قاعده‌مند کردن رفتار حکومت با مردم و بالعکس است.

تحقیق حاضر نیز در پی تبیین یکی از تئوریهای سیاسی از سوی یکی از سیاستمداران معاصر است که به نوبه خود می‌تواند در شرایط کنونی جامعه ما از اهمیت ویژه‌ای خصوصاً برای سیاستمداران و متولیان حکومت برخوردار باشد.

در اندیشه‌های سیاسی ایران امروز، برخی بیشتر به جمهوریت و مردم سالاری توجه و عده‌ای بر جنبه اسلامیت دولت تاکید می‌نمایند. در این خصوص دیدگاههای گوناگونی طرح شده است ولی کمتر بحث شده که آیا این دو مفهوم می‌توانند به وحدت برسند یا خیر؟

مهمترین سئوالی که این پژوهش در صدد پاسخگویی به آن می‌باشد اینکه رابطه جمهوریت و اسلامیت در اندیشه سیاسی امام خمینی چگونه است؟

در این تحقیق نگارنده بر آن است که به روشنی رابطه این دو را در اندیشه امام بیابد و امکان

۱- ر. گبرشمن، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین (تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هفتم، ۱۳۶۸) ص ۱۴۳.

وحدت مفهومی آنها را مورد کنکاش قرار دهد. بدین ترتیب این پژوهش بر این فرضیه بنا گردیده است که مفاهیم جمهوریت و اسلامیت در افکار امام خمینی نسبت به همدیگر تعارضی ندارند و با یکدیگر قابل جمع هستند.

یکی از اهداف مورد نظر اینکه با توجه به وجود تفاسیر مختلف درباره مفاهیم اسلامیت و جمهوریت و رابطه آندو در کشور، بررسی و ارائه نظر صریح امام در این باره گامی در جهت کاهش تنش‌ها و تعارضات فکری در کشور است.

درباره سابقه کار علمی در این خصوص، متذکر می‌شود که در مورد مفاهیم اسلامیت یا جمهوریت و نقش مردم در حکومت کارهایی وجود دارد اما در رابطه با ارتباط و وحدت ایندو مفهوم از دیدگاه امام خمینی کار علمی و تحقیقی دقیقی صورت نگرفته است.

این تحقیق با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، اسناد، سخنرانیها و آثار امام خمینی و تحلیلهایی که مرتبط با موضوع است انجام پذیرفته است.

پژوهش حاضر در برگیرنده یک مقدمه، و ۵ فصل و یک نتیجه است که عبارتند از:

فصل اول: مفهوم جمهوریت و حکومت جمهوری در اندیشه‌های سیاسی

فصل دوم: رابطه دین و سیاست در اسلام

فصل سوم: مفهوم اسلامیت نظام در اندیشه سیاسی امام خمینی

فصل چهارم: مفهوم جمهوریت حکومت در اندیشه سیاسی امام خمینی

فصل پنجم: وحدت اسلامیت و جمهوریت در اندیشه سیاسی امام خمینی

نتیجه‌گیری نهایی

# فصل اول

## مفهوم جمهوریت و حکومت جمهوری در اندیشه‌های سیاسی

## مفهوم جمهوریت و حکومت جمهوری در اندیشه‌های سیاسی

در اولین فصل از تحقیق برآنیم که بر آیندی از دیدگاه‌های مختلفی که از دیرباز تاکنون پیرامون جمهوریت و حکومت جمهوری با عنوان اندیشه‌های سیاسی ارائه شده داشته باشیم و در همین راستا مفهوم جمهوریت و جمهوری در اندیشه‌های سیاسی اندیشمندان متعددی را به نقد و بررسی بگذاریم.

یکی از جدی‌ترین ارکان نوشتار پیش روی شما جمهوریت است. سیر منظم و دقیق بحث با توجه به عنوان موضوع تحقیق که جمهوریت و اسلامیت در اندیشه سیاسی امام خمینی است می‌طلبد که ما بحث خود را از جمهوریت آغاز کنیم.

برای فهم دقیق جمهوریت مورد نظر امام خمینی و تفاوت‌های آن با جمهوریت در اندیشه‌های سیاسی سایر اندیشمندان بایستی ابتدا یکی بعد از دیگری نظریات صاحب نظران را با تأکید بر سیر تاریخی آنها بیان نماییم تا نهایتاً به یک فهم منطقی و معقول از جمهوریت برسیم و به روشنی تفاوت‌ها و وجوه تشابه جمهوریت مورد نظر امام خمینی و سایر عالمان سیاسی را بیابیم.

شکی نیست که در این مسیر دانشمندان بسیار زیادی به ارائه نظر و بحث و بررسی پیرامون جمهوریت و حکومت جمهوری پرداختند. ولی آنچه نگارنده را به انتخاب این صاحب نظران و گنجاندن نظریات آنان در این تحقیق و داشت استواری استدلال، ورود روشن آنها در بحث جمهوریت و شهرت و توانایی بالای آنها در جهان علم و دانش است و همچنین به نوعی پیروی از شیوه عمل اکثر نویسندگان می‌باشد که عمدتاً در مباحث مختلف به چنین روشی عمل می‌نمایند. در عین حال در این فصل از نظریات برخی اندیشمندان جدید نیز بهره بردیم.

### ۱- سقراط

حکومت جمهوری یکی از انواع حکومت‌های مطرح و قابل توجه در زمان سقراط بود. اساس حکومت جمهوری بر برابری شهروندان نهاده می‌شد نمونه عینی حکومت جمهوری زمان سقراط در آتن عملی گردید که بیشتر به نام دموکراسی شناخته می‌شد. سقراط بر نظریه برابری

همه انسانها که از اصول جمهوری بود و بر انتخاب مقامات از راه رأی‌گیری حمله در- و اعلام نمود دولت باید در حاکمیت آریستوکراسی هوشمندان باشد.

استدلال وی بر این پایه استوار بود که دخالت تمامی شهروندان در امر حکومت و توجه به رأی و نظر آنها در اداره امور دولت، منجر به ضعف در تصمیم‌گیری‌ها و وارد شدن افراد نالایق و عامه بی دانش مردم در مسائل مهم و سیاسی خواهد شد. او همچنین بر فرمانروایی مجلس حاکم، یا اکلیزیا اعتراض کرد. که در آن خیاط و بندزن و پینه دوز و شکارچی با آنها که به واقع چیزی از هنر سیاست می‌فهمیدند رأی برابر داشتند.

سقراط حکومت دموکرات آتن را به عنوان هرج و مرج که در آن هیچ اندیشه‌ای وجود ندارد و توده مردم با شتاب و نادانی تصمیم می‌گیرند و سبب نابودی می‌شوند، محکوم کرد. او می‌پرسید آیا موهوم پرستی نیست که صرف عدد یا اکثریت سبب خرد خواهد شد سقراط می‌پرسید دولت چگونه ممکن است قوی باشد اگر عاقلترین مردان آن را رهبری نکنند؟

بنابراین سقراط حکومت عده زیاد یا اکثریت مورد نظر دموکراسی را حکومت بی فضیلتها و آشکارا نادرست می‌دانست وی بر حکومت جمهوری در عصر خویش شدیداً حمله‌ور می‌شد و به جمهوری یا دخالت دادن مردم در امر اداره حکومت سخت معترض بود زیرا دخالت دادن عموم افراد مردم را در تصمیم‌گیریها و سیاست‌گذاریهای ملی به نوعی ظلم به افراد هوشمند جامعه تلقی می‌کرد.

آنچه برای او قابل تحمل نبود اینکه رأی یک فیلسوف با رأی یک فرد بی سواد و جاهل که به هیچ وجه صلاحیت نظر دهی در امور بزرگ و ملی را ندارد دارای یک وزن و یک تأثیر مساوی باشد او مخالف بود که صرف عدد و شماره منجر به شکست دسته افراد دانشمندان در مقابل عامه بی خرد مردم شود لذا او به اولویت بندی رأی و نظرها پرداخت و اندیشه یک فرد عاقل را در مقابل تعداد زیادی از انسانهای بی خرد ترجیح می‌داد.

سقراط به نفی حکومت جمهوری آتن پرداخت و آن را به مصلحت جامعه و کشور نمی‌دانست. حکومت مطلوب سقراط، آریستوکراسی هوشمندان بود که آن را برای اداره امور مردم پیشنهاد می‌کرد و به همه افراد جامعه توصیه می‌نمود که از این نوع حکومت تبعیت نمایند.

در آریستوکراسی هوشمندان حاکمیت از آن فیلسوفان و هوشمندان جامعه است. کسانی اداره امور جامعه را در دست دارند که از هوش، خرد و عقل بالاتری برخوردارند. در مدل طراحی شده توسط سقراط عدد و کثرت تأثیری در دگرگونی منصبها و ایجاد تحول در روند اداره امور ندارد آنچه مؤثر در این خصوص است. خرد، عقل، دانش و فضیلت است و بایستی حکومت به بافضیلت‌ترین انسانها سپرده شود، و سایر افراد جامعه از آنها اطاعت کنند.<sup>(۱)</sup>

## ۲- افلاطون

وی از جمله نوادر نویسندگان و فیلسوفان دوره باستان است که در تعلیمات خود گرایشی آشکار و بی‌مهابا به یکتاپرستی، اخلاق، عدالت، خوبی و زیبایی دارد که از نگاه او فطری انسان است.

مهمترین انگیزه‌ای که افلاطون را به سمت مدینه فاضله هدایت کرد، مسأله اخلاق در جامعه سیاسی بود. در «رساله جمهوریت» افلاطون به مدینه فاضله و علل ناکامی دولتها در رسیدن به آن اشاره دارد. افلاطون جامعه سیاسی خود را بر پایه حاکم خردمند مستقر کرد. زیرا معتقد است که فقط خردمندان، لایق سیاستمداری هستند و سیاست فقط از راه آموزش کسب می‌شود. نه از راه تجربه<sup>(۲)</sup>.

افلاطون نیز در آثار مختلفی که از خویش بر جای نهاد به تفصیل به بحث و بررسی پیرامون انواع حکومتها می‌پردازد و علل ناکارآمدی برخی از آنها و بیماریهایی که عامل نابودی برخی از آنهاست را بیان می‌کند. وی ضمن تبیین دولت کمال مطلوب خود، می‌گفت این دولت ممکن است دستخوش چهار مرحله فساد شود. عالی‌ترین حکومت مورد نظر افلاطون، حکومت مدینه فاضله است که آرمانشهر او را می‌سازد. رتبه دوم حکومت را تیموکراسی یا فرمانروایی نظامی می‌داند که بعد از آن حکومت به او لیگاریشی تبدیل می‌شود و از آن به دموکراسی و نهایتاً بدترین نوع حکومت یعنی تیرانی یا ستمگری است.

۱- اقتباس از: دکتر عبدالرحمن، عالم، تاریخ فلسفه سیاسی غرب (تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه) ص ۶۹.

۲- عبدالرحمن، عالم، افکار و اندیشه‌های سیاسی تا نیمه اول قرن ۱۹، دانشگاه تهران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۷۸ ص ۲۱۵.



افلاطون می‌گفت دموکراسی هرج و مرج است و چون از تمایل افراطی به آزادی بر می‌آید از او لیگارشلی بدتر است و خود دموکراسی چندان معتدل نمی‌ماند. وی نیز چون سقراط دیدگاه مثبتی از دموکراسی ندارد چون آن را دخالت عامهٔ مردم بی‌خرد و افراد بی‌فضیلت در ادارهٔ امور کشور تلقی می‌کند. اینگونه دسته‌بندی دولت بویژه از لحاظ نتایجی که افلاطون در نوشته‌های بعد در همین مورد می‌گیرد اهمیت دارد<sup>(۱)</sup>.

توجه افلاطون به قانون در دولتهایی که کامل نیستند او را به طبقه‌بندی جدیدی از دولتها متفاوت از طبقه‌بندی در کتاب جمهور برد. افلاطون در کتاب جمهور پنج نوع دولت را بر حسب میزان فضیلت هر یک گامی فروتر از دیگری، با توجه به میزان فساد در هر یک، مشخص کرده بود. که عبارت بودند از دولت کمال مطلوب (یا آرمانی) جمهور در بالا.

جمهوری مد نظر افلاطون با حکومت جمهوری در این زمان کاملاً متفاوت است حکومت جمهوری افلاطون حکومتی است که در آن یک فرد با فضیلت و فیلسوف صاحب‌خرد و اندیشه حکومت را در دست می‌گیرد تصمیم‌گیری به یک فرد عاقل و اگذار می‌شود اما آنچه امروزه از جمهوری متبادر به ذهن است اینکه حکومت با رأی مردم که برای همگان از وزن برابری برخوردار است بوجد می‌آید و یک شخص برای مدت معین به عنوان رئیس جمهور انتخاب می‌شود.

جمهوری امروزه به مثابه نوع دموکراسی حکومت در زمان افلاطون است و جمهوری مطلوب و آرمانی عصر افلاطون بیشتر شبیه به حکومت پادشاهی است آنچه پادشاه را به اقتدار می‌رساند فضیلت و شایستگی‌های اوست نه رأی برابر و اکثریت عددی مردم.

بعد از جمهوری نوع تیموکراسی دولت می‌باشد پس از آن اولیگارشی و دموکراسی و در نهایت تیرانی است که در پایین‌ترین مرتبه طبقه‌بندی افلاطون است. کتاب سیاستمدار اثر دیگری است که از وی بر جای مانده است افلاطون در سیاستمدار، در واقع دولت آرمانی را به بهانهٔ اینکه با وجود مطلوب بودن قابل عمل نیست کنار نهاد و یک دسته‌بندی دو سویه از دولتهای قانونی و غیر قانونی به دست داد.

الف: دولت آرمانی جمهور: کاملترین حکومت جمهوری است ولی از دیدگاه افلاطون این نوع حکومت آرمانی غیر قابل عملی شدن است و شرایط تأسیس آن به سادگی فراهم نمی‌گردد.

ب: دولتهای رعایت‌کننده قانون: وقتی دانش به صورت قانون در آید می‌تواند به عنوان یک نیروی قوی هدایتگر مطرح باشد:

۱- مونارشی یا پادشاهی: فرمانروایی قانونمند یک نفر که بهترین دولت است.

۲- آریستوکراسی (اشراف سالاری): فرمانروایی قانونمند چند نفر از اشراف و بزرگان که این دومین دولت بهتر است.

۳- دموکراسی (مردم سالاری) مبتنی بر قانون اساسی: فرمانروایی قانونمند و میانه رو عدد زیادی با اکثریت است که این بدترین دولتها از حکومتهای قانونمند و بهترین دولت از میان دولتهای بی توجه به قانون است.

پ: دولتهای بی توجه به قانون: نیروی هدایتگر به دلخواه حاکمان است و هیچ قانونی قادر نیست متولیان حکومت را کنترل و هدایت کند که این حکومتها توسط افلاطون دارای مراتب متفاوت و گوناگون تقسیم بندی شدند.

۱- تیرانی (ستمگری): فرمانروایی غیر قانونمند یک نفر که بدترین نوع از همه دولتهاست آنچه حکومت می‌کند استبداد، زور و ستم و بی قانونی است هیچ قاعده‌ای برای اداره امور دولت نیست و متولیان امور پاسخگویی هیچ بخشی از اعمال و تصمیمات خویش نیستند و هیچ کسی قادر نیست آنها را به نقد و تخطئه بکشاند.

۲- اولیگارشی (سالاری توانگران): فرمانروایی غیر قانونمند چند نفر که بعد از بدترین دولت قرار دارد.

۳- دموکراسی (مردم سالاری) غیر قانونمند: فرمانروایی دلخواه افراطی عدد زیاد که چون غیر قانونمند است بنابراین بد است اما از تیرانی و اولیگارشی کم خطرتر است<sup>(۱)</sup>

کتاب قوانین نیز از آثار ارزشمند افلاطون است که در آن به تجدید نظر در نظریات قبلی خود در جمهور و سیاستمدار می‌پردازد. وی در قوانین دولت مطلوب خاصی را پیشنهاد می‌کند که

باید در خشکی باشد و به قدر کافی دور از دریا تأسیس شود تا از نظامی‌گری دریایی جلوگیری کند. وی در مورد حکومت خواهان میانه روی و تعادل است حکومت طراحی شده افلاطون در قوانین منتج از شکل‌های اولیگارشسی و دموکراسی است از ترکیب ایندو بهترین حکومت قابل عمل را ارائه می‌دهد<sup>(۱)</sup>.

جمهوریت و حکومت جمهوری مفهومی است که در اندیشه سیاسی افلاطون به شکل برجسته‌ای نمود دارد و در هر کدام از دسته بندی‌های وی نسبت به دولت‌ها به نحوی مطرح می‌شود. اما جمهوری مدنظر افلاطون با جمهوری مورد توجه ما مغایر است هر چند که نسبت به همدیگر دارای شباهت‌های زیادی هستند ولی جمهوری افلاطون نظامی است که یک فرد صاحب خرد و اندیشه به صورت قانونی با رضایت عامه مردم به قدرت می‌رسد اما وی تساوی افراد در رأی و دخالت در امور را همانند سقراط نمی‌پذیرد در حالیکه به انحاء گوناگونی در تلاش است که زمینه مشارکت شهروندان را در حکومت فراهم کند که نهایتاً در قوانین با بیان تئوری ترکیب دموکراسی و الیگارشسی به مدل نوینی از حکومت که مشابه جمهوری امروزی است می‌رسد.

### ۳- ارسطو

دولت یا حکومت از تنوع و تعدد زیادی برخوردار است در یک تقسیم بندی دقیق داریم که دهها نوع و شکل حکومت را به ترسیم بکشیم. این امر بستگی به این دارد که از چه منظر و دیدگاهی به امر حکومت نگاه کنیم و ملاک در طبقه بندی حکومت چه چیزی باشد. اگر ملاک در دسته بندی، قانون باشد به انواع حکومت‌های بی قانون و قانونمند می‌رسیم اگر معیار آزادی باشد به گروه‌های مختلف حکومت‌های استبدادی و دموکراسی منتهی می‌گردد. اگر مبنای ما وابستگی نظام به بیگانه باشد تقسیم بندی ما به انواع دسته جات دولت‌های مستقل و وابسته منجر می‌شود ارسطو هم مانند افلاطون درباره دولت آرمانی بحث کرده است. دولتی که وظیفه دست یافتن به کمال اخلاقی شهروندان را به طور کامل بر عهده دارد. اما او می‌دانست که صرف اوقات زیادی برای بررسی چنین آرمان شهری کوشش بیهوده‌ای است.

ممکن است دولتی خوب باشد بی آنکه کامل باشد و انسانها می‌توانند احتمالاً با بدترین دولتها بهترین کارها را که می‌توانند بکنند. معیار خوب و عادلانه بودن دولت توانایی آن در به تأمین منافع عموم است. مهمترین معیار دسته بندی ارسطو از حکومتها میزان تأمین منافع برای عامه افراد جامعه است. هر چه حکومت منافع افراد بیشتری را تأمین نماید از دیدگاه وی مطلوب‌تر است ارسطو تأمین منافع را اخلاقی جلوه می‌کند و نوعی ارزش می‌داند. وقتی دولت فقط تأمین کننده فرمانروا یا فرمانروایان باشد، دولت بدی است.

قوانین اساسی تأمین کننده منافع عمومی، قوانین اساسی درستی‌اند و با معیار عدالت مطلق درباره آنها داوری می‌شود. همه قوانینی که فقط منافع شخصی فرمانروا را تأمین می‌کنند، نادرست یا فاسد شده شکل‌های درست‌اند. ارسطو یکی از تأثیر گذاران عمده بر روند طبقه بندی حکومتها است هر چند قبل از وی نیز افراد دیگری به طبقه بندی حکومتها پرداختند. تقسیم بندی حکومتها بر اساس تأمین منافع شخصی یا عامه مردم یکی از انواع طبقه بندی‌های مطرح شده از سوی ارسطو می‌باشد<sup>(۱)</sup>.

نگرش دیگر ارسطو به حکومت بر مبنای عدالت است که تا چه اندازه حاکمان به امر عدالت توجه می‌کنند ارسطو نیز مانند افلاطون در سیاستمدار دولتها را بر حسب توانایی دست یافتن به عدالت دسته بندی کرد. او گفت سه نوع "درست" قانون اساسی وجود دارد - درست به این معنا که این قوانین اعلام می‌کنند فرمانروایان با توجه به منافع عمومی فرمان می‌رانند و با توجه به تواناییهای خویش انتخاب شده‌اند. شکل‌های درست قوانین اساسی (یا حکومتها) عبارتند از: پادشاهی، آریستوکراسی، و پولیتی.

پولیتی همان حکومت جمهوری است که شکل معتدل دمکراسی افراطی می‌باشد در اداره آن تعداد زیادی از مردم دخالت دارند و تصمیمات گوناگون حکومتی تقریباً به دست مردم صورت می‌گیرد جمهوری یکی از حکومت‌های ایده‌آل و مطلوب ارسطو است که در میان انواع حکومت‌های خوب و ایده‌آل در رتبه سوم قرار دارد.

هر یک از این شکلها، یا قوانین اساسی (حکومتها) نیز صورت بد یا فاسد مربوط به خود را